



**مردانی که گریه نمی‌کنند**  
نگاه دکتر فرامرز ذاکری، روانپزشک به مردانگی سمنی و آسیب‌هایش

۱۰



**کامبود تماشاچی**  
تئاتر امروز را کم‌رنگ کرده

۱۲



**ادبیات درمان نیست**  
مسکن است

احمد رضا امیری سامانی از نقش ادبیات در روزهای سخت جامعه می‌گوید

۱۳

پنجشنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۱ | ۱۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ | شماره ۱۹۰

# هماشهره



عکس: سناعلان

## درباره ورزش پهلوانی غفلت کردیم

گفت‌وگو با محمدرضا تویچی؛ پهلوانی که ۲بار بازوبند پهلوانی را بر بازو بست



مهدی داروسولی

در دهه ۶۰ که تیم‌های ورزشی به واسطه جنگ ایران و عراق و فضای آن روزهای جامعه کمتر در میادین بین‌المللی ظاهر می‌شدند، نبرد پهلوان‌ها تنور کهرمق ورزش را گرم نگه می‌داشت. در همان سال‌ها تماشای فوتبال اولویت نخست مردم نبود اما سالن‌های کشتی برای تماشای نبرد پهلوان‌ها مملو از تماشاگر می‌شد و مردم دوست داشتند بدانند چه کسی بازوبند پهلوانی را بر بازو می‌بندد. در دهه ۶۰ که دوران شکوفایی ورزش پهلوانی در ایران به حساب می‌آمد، یک کشتی‌گیر محبوب به نام محمدرضا تویچی پای ثابت همه مسابقاتی بود که تماشاگران را به سمت سالن قدیمی و پر خاطره هفتیم تیر می‌کشاند. او در آن یک‌دهه ۸بار متوالی به فینال مسابقات کشتی پهلوانی راه پیدا کرد و ۲بار بازوبند پهلوانی را بر بازو بست. پهلوان محمدرضا تویچی معتقد است ذائقه نسل جوان تغییر کرده و شاید به همین دلیل استادبوم‌های فوتبال لبریز از جمعیت است و مسابقات کشتی پهلوانی در یک فضای سوت و گورگزار می‌شود. صحبت‌های او به بهانه اقدام یونسکو برای به ثبت رساندن فرهنگ ورزش زورخانه‌ای به نام جمهوری آذربایجان خواندنی است.

تحت تأثیر پدر پایمان به گود زورخانه باز شده بود. از بین ۸ برادر فقط ششما پهلوان کشور شدید؟  
من کشتی پهلوانی را جدی گرفتم و ادامه دادم اما علی، برادر بزرگ‌ترم در کشتی آزاد عضو تیم ملی بود و به چند مسابقه بین‌المللی هم اعزام شد. من از سال ۱۳۶۰ در گود زورخانه بودم و یک‌دهه در کشتی پهلوانی فعالیت کردم. تصور این است که این یک‌دهه جزو بهترین سال‌های زندگی ورزشی من بوده و فرهنگ ورزش پهلوانی تأثیر عمیقی در زندگی من داشته است. پادش به خیر وقتی با مرحوم سلیمانی در سالن مهران مشهد و سالن هفتیم تیر تهران کشتی گرفتیم سالن جای سوزن انداختن نداشت و تماشاگران دور تشک کشتی هم نشسته بودند.

ظاهراً چند باری هم با مرحوم علیرضا سلیمانی کشتی گرفتید...  
بله، ما ۲بار در فینال مسابقات کشتی پهلوانی با هم کشتی گرفتیم که هر ۲بار مرحوم علیرضا سلیمانی برنده شد و بازوبند پهلوانی را دریافت کرد. وقتی برای سومین بار بازوبند پهلوانی را بر بازو بست لقب «پهلوان باشی» را به او دادند. من هم ۸بار به فینال مسابقات کشتی پهلوانی راه پیدا کردم که ۲بار دستم بالا رفت و بازوبند را دریافت کردم.

در دهه ۶۰ خیلی از جوان‌ها حواس‌شان به فوتبال معطوف شده بود. آن موقع کشتی پهلوانی هنوز هم برای مردم جذابیت داشت؟

پای مسائل مادی در میان است اما واقعیت ماجرا این است که در مورد ورزش پهلوانی دچار غفلت شده‌ایم. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب که مفاهیم قرآنی و اسلامی در جامعه پررنگ‌تر شد، بهترین فرصت بود که ورزش پهلوانی را به اوج برسانیم اما اینگونه نشد. ورزش زورخانه‌ای و حتی کشتی انطور که باید مورد توجه عموم و مدیران ورزشی قرار نگرفت. الان اگر بخواهیم مراسمی در گود زورخانه برگزار کنیم باید با ۲۰۰ نفر تماس بگیریم تا ۱۵-۱۰ نفر بیایند در حالی که قدیم‌ها

ورزش هم در طول تاریخ مورد توجه مردم بوده است. در دهه ۶۰ این موضوع چقدر اهمیت داشت؟

آن موقع بنا به نیاز جامعه، فرهنگ ورزش پهلوانی خیلی به دل مردم می‌نشست. خیلی‌ها کیف می‌کردند وقتی پهلوانی گره‌ای از زندگی کسی باز می‌کرد یا دوست و همسایه را با هم آشتی می‌داد. مردم از گذشته دور پای ثابت تعلیم و تربیت بودند و جایی می‌رفتند که ادب و احترام بود. ورزش زورخانه‌ای هم مرکز تعلیم و تربیت و ادب و احترام بود و به همین دلیل خیلی مورد توجه مردم قرار می‌گرفت. مناسبانه الان زورخانه‌ها مهجور واقع شده است. جوان‌های امروزی ترجیح می‌دهند به جای زورخانه به سالن‌های بدنسازی بروند یا در ورزش‌های رزمی فعالیت کنند.

فکر می‌کنید چرا گود زورخانه‌ها مثل سال‌های قبل شلوغ نیست؟

من و همه ورزشکارهایی که مردم به‌عنوان پهلوان آنها را مورد خطاب قرار می‌دهند، ادب و احترام را در گود زورخانه یاد گرفتیم. همان گل‌ریزانی که در گود زورخانه انجام می‌شد، فرهنگ حسنگیری از نیازمندان بود که ما جوان‌ها یاد می‌گرفتیم. متأسفانه خیلی از زورخانه‌ها الان به قهوه‌خانه بدل شده‌اند و شاید به همین دلیل فرهنگ ورزش پهلوانی کم‌رنگ شده است.

البته الان جوان‌ها ترجیح می‌دهند سمت ورزش‌هایی بروند که پولساز است. حتی کشتی آزاد و فرنگی که به‌خاطر همین موضوع هنوز رونق دارد و به قول معروف از سکه نیفتاده است...

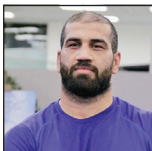
پای مسائل مادی در میان است اما واقعیت ماجرا این است که در مورد ورزش پهلوانی دچار غفلت شده‌ایم. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب که مفاهیم قرآنی و اسلامی در جامعه پررنگ‌تر شد، بهترین فرصت بود که ورزش پهلوانی را به اوج برسانیم اما اینگونه نشد. ورزش زورخانه‌ای و حتی کشتی انطور که باید مورد توجه عموم و مدیران ورزشی قرار نگرفت. الان اگر بخواهیم مراسمی در گود زورخانه برگزار کنیم باید با ۲۰۰ نفر تماس بگیریم تا ۱۵-۱۰ نفر بیایند در حالی که قدیم‌ها



نام‌آشنا ترین پهلوانان نزدیک به ما

✓ جابر صادق‌زاده

بازوبند پهلوانی



این کشتی‌گیر مازندرانی تنها کسی است که فهرمانی در رشته آزاد، پهلوانی ساحلی را تجربه کرده و از این منظر یک رکورد دست‌نیافتنی را ثبت کرده است. جابر صادق‌زاده یک‌سال قبل برای هفتمین بار صاحب رکورد علیرضا سلیمانی که ۶بار این عنوان را تصاحب کرده بود عبور کرد.

✓ علیرضا سلیمانی

بازوبند پهلوانی



نخستین کشتی‌گیر ایرانی که در دسته فوق‌سنگین کشتی آزاد، فهرمان جهان شد علیرضا سلیمانی است. او بخش زیادی از شهرت و اعتبارش را مدیون موفقیت و اعتبارش در کشتی پهلوانی بود و ۶بار بازوبند پهلوانی را بر بازو بست. به واسطه قهرمانی‌های مکرر سلیمانی در مسابقات کشتی پهلوانی به او لقب «پهلوان باشی» داده بودند.

✓ محمود میران

بازوبند پهلوانی



میران تنها پهلوانی است که به‌عنوان چودگار تیم ملی، بازوبند پهلوانی را هم بر بازو بست. البته او سابقه کشتی هم داشت و ۴بار متوالی حکم‌کننده کم‌داریم، حکم‌کننده کسی است که در گل‌ریزان و مراسم خیرخواهانه حکم می‌دهد که به چه کسی کمک کنیم و از چه مسیری دست افراد نیازمند را بگیریم. وقتی بزرگ‌تراها وارد گود نشوند طبیعی است که جوان‌ها هم کمتر می‌آیند.

در این شرایط از کجا باید شروع کرد؟ چه کارهایی باید انجام شود تا زورخانه‌های پایتخت هویت از دست رفته‌شان را پیدا کنند؟

اگر همین امروز هم آستین‌ها را بسالانیم دیر است اما چاره کار در گفت‌وگو است. باید درباره این موضوع سیمینارهایی برگزار کنیم و از پهلوان‌ها و به قول معروف موسسیدر کرده‌های ورزش هم بخواهیم به این سیمینارها بیایند و هر کدام ۲ دقیقه صحبت کنند. آقای دبیر که الان رئیس فدراسیون است، صرفاً نباید به مدال آوری فکر کند و باید بداند که بعد پهلوانی ورزش کشتی خیلی مهم است. قدیم‌ها علاوه بر گود زورخانه، روی تشک کشتی هم به ورزشکار ادب و احترام را آموزش می‌دادند اما وضعیت اقتصادی به گونه‌ای شده که مری‌های امروزی بیشتر به در صدی که بعد از قهرمانی شاگردان‌شان می‌گیرند فکر می‌کنند. وقتی آقای سجادی وزیر ورزش شد انتظار ما این بود که متخصصان کار گرفته شوند تا مشکلاتی از این دست حل‌وفصل شود اما اینگونه نشد. چرا مثال من که در دانشگاه تدریس می‌کنیم و ۴۰۰۰ سال در عرصه ورزش فعالیت کرده‌ام باید بیرون بگویم؟

احتمالاً شنیدید که جمهوری آذربایجان می‌خواهد فرهنگ ورزش زورخانه‌ای را به نام خودش ثبت کند. فکر می‌کنید چطور می‌شود یونسکو را متقاعد کرد از این اقدام صرف‌نظر کند؟

در درجه اول باید ورزش زورخانه‌ای را در داخل کشور حمایت کنیم و نسل جدید را به سمت این ورزش سوق بدهیم. ما استعداد‌های زیادی در مملکت‌مان داریم و لازم نیست که همه آنها فوتبالیست یا والیبالیست شوند. خانواده‌ها باید بدانند که در ورزش پهلوانی، ذهن بچه‌ها جلا پیدا می‌کند و فرهنگ این ورزش آنها را به انسان‌های بهتری بدل خواهد کرد. بعد هم برویم سراغ برگزاری مسابقات بین‌المللی ورزش زورخانه‌ای و از کشورهایی که این ورزش با فرهنگشان عجین شده دعوت کنیم به کشورمان بیایند. ورزش باستانی همانطور که از نامش پیداست از دوره باستان در ایران رواج داشته و در آن دوره تاریخی آذربایجان هم جزو خاک ایران بوده است.

فکر می‌کنید با این حرف‌ها می‌شود یونسکو را متقاعد کرد؟

باید مستندات تاریخی‌مان را برای یونسکو ارسال کنیم. دستگاه ورزش ایران سال‌هاست با یونسکو مکاتبه می‌کند. ثبت فرهنگ زورخانه‌ای به نام آذربایجان یا قطعی نیست و برداشتن من این است که می‌توانیم رای یونسکو را برگردانیم.

احتمالاً شنیدید که جمهوری آذربایجان می‌خواهد فرهنگ ورزش زورخانه‌ای را به نام خودش ثبت کند. فکر می‌کنید چطور می‌شود یونسکو را متقاعد کرد از این اقدام صرف‌نظر کند؟

کشتی‌گیرهای خطه خراسان همیشه در مسابقات کشتی پهلوانی مدعی بوده‌اند و امین رشید لمیر هم از این قاعده مستثنی نبود. او که نوه یعقوب علی سوسوزی، در داستان‌های غم‌انگیز ورزش است، چه‌بسا اگر این کم‌توجهی نبود، کشوری مثل جمهوری آذربایجان که زمانی جزو خاک ایران‌زمین بود، فرهنگ پهلوانی و زورخانه‌ای را به نام خودش در فهرست میراث ناملموس بشری ثبت نمی‌کرد.

پاداهاشت

پهلوانان نمی‌میرند



ورزش و آداب پهلوانی از دیرباز در فرهنگ ایرانیان جایگاه خاصی داشته و گاهی در اشعار بزرگ‌ترین ادیبان ایران زمین مثل مثنوی شده است؛ به‌طور مثال در شاهنامه فردوسی داستان‌های حماسی زیادی درباره رشادت‌های زال و رستم روایت شده و این شخصیت، شمایل پهلوان‌هایی هستند که برای پیروزی جبهه خیر علیه شر وارد میدان نبرد می‌شوند. پهلوان در کلیشه ذهنی ایرانی‌ها، مردی تنومند است که اخلاق نیکویی دارد. در حقیقت خلق نیکو است که یک قهرمان را به «پهلوان» بدل می‌کند و چنین فرهنگی از دوره ایران باستان که پهلوانان نیرومند در برابر اهریمن مقاومت می‌کردند رواج پیدا کرده است.

پس از ورود اسلام به ایران، فرهنگ پهلوانی که با عباری و جوانمردی آمیخته بود با آداب اسلامی گره خورد و پهلوان‌ها با تأثیر پذیری از سرشت جوانمردی امام اول شیعیان به ابرقهرمان‌های واقعی مردم بدل شدند. در آن روزگار لقب پهلوان را به ورزشکاری می‌دادند که در مکتب ورزش زورخانه‌ای، خودپرستی و غرور را از خود دور کرده بود و در برابر مردم به‌خصوص در مواجهه با افراد ضعیف و نیازمند فروتنی و خاکساری پیشه می‌کرد. ورزشکاری که چنین خصائل اخلاقی را بروز می‌داد به مقام پهلوانی نایل می‌شد و جایگاه قابل احترامی نزد مردم پیدا می‌کرد.

درباره سابقه و تاریخ پیدایش این رشته در ایران، روایات مختلفی نقل شده است اما آثاری از ۴۵۰۰ سال پیش در لرستان و بین‌النهرین کشف شده که از وجود و اهمیت ورزش و مهارت‌هایی حکایت دارد که امروز «کشتی» نامیده می‌شود. در ایران باستان، سرنوشته برخی جنگ‌ها به وسیله پهلوانان ۴ طرف جنگ و بسودن درگیر شدن لشکرها با یکدیگر رقم می‌خورد و لازم بود پهلوانی برای چنین روزهایی تربیت شوند. با گذشت زمان، رقابت این پهلوانان به ادبیت و شعر ایران‌زمین راه یافت و مرام‌نامه‌ها و فتوت‌نامه‌ها نوشته شد و داستان فتوت و جوانمردی پهلوانان سینه به سینه گشت و از نسلی به نسل دیگر منتقل شد.

فرهنگ ورزش زورخانه‌ای یا همان ورزش باستانی از دوره باستان تا کنون دستخوش تغییرات بسیاری شده اما برای پهلوان‌ها هنوز اصل بر رعایت اصل فتوت و جوانمردی است. همانطور که در سریال تاریخی پهلوانان نمی‌میرند، شخصیت‌های اصلی داستان به پهلوانی اختصاص دارد که برای دفاع از ناموس مردم و دستگیری از افراد ضعیف و نیازمند گاهی به سیم آخر می‌زنند. این همان تصویری است که چند نسل قبل از قهرمانان و به‌عبارتی پهلوانان ورزش باستانی داشتند. آنها معمولاً پای ثابت فعالیت‌های خیرخواهانه بودند و دایره فعالیت‌شان فراتر از گود زورخانه بود. چه بسیار زندانیانی که بعد از گل‌ریزان در گود زورخانه‌ها از زندان آزاد شدند و چه بسیاری از زندانیانی که پهلوان‌ها از اعتبارشان برای آنها خرج کردند تا نانی در سفره داشته باشند. در دوره معاصر و تا همین چند دهه قبل هم عده‌ای از پهلوان‌ها واسطه حل و فصل منازعات خانوادگی می‌شدند و پای ثابت مراسم آشتی‌کنان بین خانواده‌ها، اقوام و هم‌حلقی‌ها بودند اما این آداب آرام‌آرام کم‌رنگ شد و این روزها خیرهای کمتری از گود زورخانه به گوش عموم مردم می‌رسد.

این اتفاق تلخی است که باید بابت رخدادش متأثر بود؛ چرا که جامعه بیشتر از هر زمان دیگری به فرهنگ ورزش باستانی و فتوت و جوانمردی پهلوان‌ها نیاز دارد. به‌رغم کم‌رنگ شدن فرهنگ پهلوانی، هنوز هم از زورخانه‌ها به‌عنوان جایی برای آرایش جسم و روح ورزشکاران نام برده می‌شود. فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای آمیخته با شجاعت، قدرت و جوانمردی است و این فرهنگ در بدو ورود به زورخانه‌ها مثلور می‌شود. در ورودی زورخانه‌ها از همان ابتدا کواتر و کوچک‌تر از درهای معمولی ساخته می‌شد تا ورزشکار هنگام ورود و خروج از حالت تعظیم گذر کند و افتادگی و فروتنی را بیاموزد. از روزگار قدیم گود زورخانه را با ۲۴ اویزه می‌ساختند که نماد ۴ عنصر حیات، ۴ گوشه قبر، ۴ نفس انسانی یعنی نفس اماره، لوازمه، ملهمه و مطمئنه بوده است.

ورزش زورخانه‌ای از قرن هشتم هجری قمری از ایران به پاکستان، عراق، هندوستان و بسیاری از کشورهای دیگر در آسیای میانه گسترش پیدا کرد و هم‌اکنون در قالب مسابقات چندگانه در بسیاری از کشورهای جهان دنبال می‌شود اما در سرزمین خودمان زیر سایه ورزش‌های برهیا هو قفسار گرفته است. گفته می‌شود هم‌اکنون بیش از ۹۰۰ زورخانه در کشور وجود دارد که چراغ برخی از آنها روشن است و برخی دیگر به محاق و خاموشی رفته‌اند. بدل شدن برخی زورخانه‌های قدیمی به قهوه‌خانه‌های سسنتی هم از داستان‌های غم‌انگیز ورزش است، چه‌بسا اگر این کم‌توجهی نبود، کشوری مثل جمهوری آذربایجان که زمانی جزو خاک ایران‌زمین بود، فرهنگ پهلوانی و زورخانه‌ای را به نام خودش در فهرست میراث ناملموس بشری ثبت نمی‌کرد.

کشتی پهلوانی فعالیت کرد.